

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جنوری ۲۰۱۹

اعدام مجدد زنده یادان "مجید و قیوم" به وسیله دشمنان مردم

۳

یکشنبه- ۱۶ جدی ۱۳۹۷ - کابل:

زمینه های بروز تشنج قبل از آغاز محفل:

جهت روشن شدن این موضوع از خود به مثابه یک تن از شرکت کنندگان آغاز می نمایم. ما - من و همسر - وقتی اندکی مانده به ساعت یک بعد از ظهر به محفل رسیدیم، خلاف سایر محافلی که افغانها برگزار می کنند و اکثر شرکت کنندگان دیر تر به محل جلسه می رسند، تقریباً سالون پر بود. از همین رو جهت یافتن یک جای مناسب نیازمند به کمک یک تن از وطنداران خود از شکردره شدم. خودم قبل از ورود به جلسه با عواطف و احساسات دوگانه در جلسه اشتراک می نمودم. یعنی از یک جانب با افتخار به وجود جانبازان مردم "مجید و قیوم" و این که خود را از راهیان راه آنها می شمردم به نحوی احساس انبساط توأم با غرور می نمودم و از جانب دیگر از این که میزبانان، انسانهای فاقد شخصیت سیاسی- مبارزاتی سالم و حتا دشمنان و قاتلان بالقوه آن زنده یادان را به عنوان سخنگو انتخاب نموده بودند، سخت ناراحت بودم و تصمیم داشتم که خلاف همیشه که در چنین مجالسی شنونده هستم، به شنوندگی اکتفاء ننموده، نگذارم "سپنتا" ی خاین و میهنفروش این دلک و نوکر "حامد کرزی" و مرید جاسوس انگلیس "صبغة الله مجددی" با بالا شدن روی سٹیژ این دو جانباز خلق را توهین نماید. همین احساس دوگانه در حد زیادی شامل برگزار کنندگان و میزبانان نیز می شد.

هرچند فضائی که برای تدویر جلسه انتخاب شده بود از لحاظ "فیشن و درشن" در شأن آن دو فرزند فرزانه مردم نبود که اینهم می توانست بر خشم و ناراحتی دوستانی که به مانند من می اندیشیدند، بیفزاید؛ چه با درنظر داشت میلیونها دالری که به نام "کلکان" و "ساما" میزبانان و حامیان پشت پرده آنها به دست آورده اند، می توانستند جای نسبتاً بهتری را کرایه نمایند، باز هم مانع از آن گردیدم تا کسی از آن بابت انتقادش را قبل از آغاز جلسه اعلام دارد.

طبق معمول حین شرکت در چنین جلساتی که از کتابی رونمایی می گردد، وقتی خواستار به دست آوردن کتاب شدم، دوستانی که قبل از من در آنجا تشریف آورده بودند، گفتند که بعد از انتقاد تعدادی از دوستان به نسبت عدم درج برخی از مقالات زنده یادان "مجید و رهبر" در کتاب حاضر، به خصوص امتناع از درج اعلامیه "ساما" به مناسبت هجوم و اشغال افغانستان به وسیله ارتش سوسیال امپریالیسم روس یعنی "روس اشغالگر در سرانسیب رسوائی و تباهی"، گردانندگان محفل کتاب را به نحوی از دسترس دور نمودند.

هرچند من نتوانستم آن کتاب را در همانجا به دست بیاورم تا قضاوت نمایم که آیا واقعاً آنها به چنین کار زشت، ضد انقلابی و خاینانه دست زده اند و یا خیر؛ مگر شنیدن چنان مسأله ای در حد زیادی من را که ۴۷ سال سن دارم و می باید عکس العمل هایم همه متناسب با سن و سالم باشد، نیز عصبانی ساخت تا چه رسد به جوانانی که الگوی مبارزاتی شان زنده یادان "مجید و رهبر" می باشد.

حال اگر واقعاً چنین باشد و ناشر و یا ناشران کتاب در حدی سقوط نموده باشند که "مجید" را *سانسور* نموده باشند و یکی از بزرگترین افتخارات وی را که شوروی آنزمان را در سرایشیب "رسوائی و تباهی" در اوج قدرت آن دیده بود، امری که گذشت زمان صحت آن را تأیید نموده ۳۹ سال بعد سردمدار امپریالیسم امریکا "ترمپ" نیز بر آن صحه گذاشت، سانسور نموده باشند، بدان معناست که آنها تصمیم دارند تا از شیرمیدان مبارزه، شیر قالین بسازند.

این سانسور که موجب برافروختگی همه ما قبل آغاز جلسه گردید، بدان معنا بود که گردانندگان محفل زیر نام تجلیل و یاددہانی از جانبازان بزرگ میهن ما می خواهند، محتوای فکری و اعتقادات سیاسی آنها را تحریف نموده از دواستورۀ مبارزه، انسانهای مفلوک و درمانده و جیره خوار استعمار بسازند.

اعلامیۀ "روس اشغالگر در سرایشیب رسوائی و تباهی" به علاوه ده ها نکته مهم و برازندۀ دیگر، بر دو نکته ای تأکید می ورزد که نه تنها آنزمان، بلکه امروز، فردا و تا زمانی اشغال امپریالیستی در اقصا نقاط جهان وجود دارد دارای اعتبار است. آن دو نکته، یکی صدور حکم "بریده باد زبانی که در مقابل تجاوز خاموش بماند" و دیگری در پاسخ به پیشنهاد همکاری از جانب "ببرک" جاسوس و مزدور استعمار روس، همکاری با آنها را با مثال سنتی "تنگر رفتن با عجزۀ هزار داماد" روسیاهی تاریخ معرفی نمودن بود. هرگاه تدوین کنندگان کتاب حاضر واقعاً این مطلب را حذف نموده باشد بدان معنا است که آنها از یک جانب نمی خواهند علیه، اشغالگر زبان باز نمایند و از جانب دیگر شخص آنها، در همکاری با اشغالگران قرار دارد و به تعبیر زنده یاد "مجید" با عجزۀ هزار داماد تنگر رفته اند. یعنی با خیانتی که به امر آزادی میهن نموده اند، در پیشگاه تاریخ روسیاه می باشند.

در چنین فضائی است که محفل آغار می یابد. یعنی در فضائی که جوانان مبارز و راهیان راه پر افتخار "مجید و رهبر" در خشمی درونی می سوزند و کمترین حرکتی ممکن است آن خشم را به فوران بیاورد. امری که در همان آغاز خشم متراکم را به انفجار سوق داد.

ادامه دارد